

## هدفمند کردن یارانه ها تسلط بیشتر دولت بر توزیع و تحت کنترل و نظارت در آوردن مردم

برای ایام خاص و کارهای بسیار ضروری منتفی شود. یعنی اتوبوس، مترو، راه آهن، تراموای جای اتومبیل را بگیرد ولی تولید سالانه حدود ۱۳۵۰/۰۰۰ اتومبیل تحت ۴۰ تا ۵۰ نام توسط دهها شرکت متعلق به افراد سرشناس و بسیار ثروتمند نشان میدهد که موفقیت در زمینه این هدف بسیار ناچیز بوده است و آلودگی هوای تهران و شهرهای عمده در ماههای اخیر حاصل سود محوری خودروسازان و بسی توجهی سیاست یازان برای مردم عادی بوده است.

در مورد هدف سوم یعنی بهبود تکنولوژی مصرف نظر این بوده که با گازی کردن اتومبیل ها، استفاده از موتورهای با تکنولوژی برتر متوسط مصرف کیلومتر-لیتر تقریبا به نصف تقلیل یابد (حدود ۸ لیتر بنزین برای صد کیلومتر) تکنولوژی ساخت منازل، ساختمانهای اداری و تجاری، لوازم برقی و گازی خانگی و غیره طوری بهبود یابد که مشابه کشورهای اروپایی شود و در این زمینه نیز علیرغم بحث زیاد پیشرفت ناچیز بوده است.

با این پیش زمینه ها قانون هدفمند کردن یارانه ها در ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ در ۱۶ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و ۱۱ ماه قبل به دولت ابلاغ شده است.

این قانون به دولت اجازه میدهد تا پایان برنامه پنجساله پنجم قسمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع و سایر مشتقات نفت را با لحاظ کیفیت حامل ها و هزینه های مترتب (حمل و نقل، توزیع و...) تا ۹۰ درصد قیمت فوب (روی کشتی) خلیج فارس افزایش دهد. (ماده ۱ الف) قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی ۹۵ درصد قیمت فوب، گاز مصرف داخلی ۷۰ درصد قیمت گاز صادراتی، قیمت خوراک سوختی واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی ۶۵ درصد قیمت سبب صادراتی در مبداء خلیج فارس خواهد بود، قیمت آب و کارمزد جمع آوری فاضلاب طوری تعیین شود که در پایان پنج سال قیمت تمام شده از مردم گرفته شود (ماده ۳ بند الف) دولت باید طی پنج سال یارانه گندم، برنج، روغن، شیر، شیر خشک، خدمات پستی، خدمات هواپیمایی و خدمات ریلی (مسافری) را هدفمند کند (ماده ۴) یارانه آرد و نان به میزان تعیین شده در بودجه سالانه در اختیار مصرف کنندگان متقاضی قرار گیرد.

از کل درآمد خالص حاصل از این اقدامات ۵۰ درصد بصورت یارانه نقدی و غیرنقدی به خانواده ها، اجراء نظام تامین اجتماعی اختصاص یابد.

کمک به تامین مسکن، مقاوم سازی مسکن و اشتغال و اجراء برنامه های توانمندسازی و برنامه های حمایت اجتماعی، ۳۰ درصد خالص و جوه به پرداخت کمک های بلاعوض یا یارانه سود تسهیلات داده شده به (۱) بهینه سازی انرژی واحدهای تولیدی، خدماتی، مسکونی و تشویق صرفه جویی (۲) اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی جهت افزایش بهره وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر (۳) جبران بخشی از زیان شرکت های آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی، فرآورده ها، شهرداریها... (۴) گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی (۵) حمایت از تولید کنندگان بخش کشاورزی، حمایت از تولید نان صنعتی و... و ۲۰ درصد درآمد خالص و جوه حاصل بمنظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه ای و تملک دارائی های سرمایه ای (دولت) اختصاص می یابد.

صرف نظر از ریزه کاریهای مندرج در قانون نحوه گرفتن و خرج کردن درآمدها، آنچه در دو سال اخیر مورد نظر این دولت بود کسب حدود ۴۰/۰۰۰ میلیارد تومان (حدود ۴۰ میلیارد دلار) درآمد تازه و خرج آن مطابق دلخواه و تصمیمات خود دولت است. کما اینکه از ۵ ماه قبل از تصویب قانون یعنی از ۱۸ ماه قبل دولت به دلخواه بنزین را بطور آزاد لیتری ۴۰۰ تومان یا ۵ برابر نرخ های سال ۱۳۸۷ می فروشد و تا بحال معلوم نیست دولت چقدر در درآمد اضافی داشته و این پولها کجاست؟ ۱۱ ماه است که در مورد قیمت بنزین و فرآورده ها تعیین تکلیف کارت سوخت و سهمیه ها، زمان آغاز اجراء قانون، پرداخت نقدی یارانه ها، مبلغ آن، تعداد دارندگان یا دریافت کنندگان یارانه بحث میشود و تا امروز هیچ کس از جزئیات برنامه های دولت خبر ندارد ولی یک نکته از طرز کار دولت و دولتیان روشن است و آن سرگرم کردن مردم مخصوصا طبقات پایین جامعه با این اخبار و شایعات و امیدوار و دلخوش نگاه داشتن آنان به کرامات دولت و دولتیان است در حالیکه در ۱۱ ماه اخیر هزینه خرید کالاها برای مصرف کننده حداقل ۱۴ درصد افزایش یافته و اجراء قانون هدفمند کردن که مصرف کننده ایرانی را مجبور می کند نفت و گاز و برق را بر مبنای قیمت خلیج فارس تعیین شده بر پایه قدرت خرید مردم اروپا و آمریکا (۱۰ برابر قدرت خرید مردم ایران) بپردازد قیمت ها تدریجا حدود ۲۸ درصد دیگر افزایش می یابد. این افزایش قیمتها حدود ۱۶۰ میلیارد دلار به هزینه کل مردم، بخش خصوصی و دولتی تحمیل میکند که ۴ برابر حداکثر افزایش درآمد دولت از اجراء قانون هدفمند کردن یارانه ها است. تضاد بین افزایش واقعی هزینه ها، درآمد دولت، مصوبات مجلس و عدم تعادل بین دخل و خرج مردم طبقات پایین در شرایط خودمحوری دولت، گرفتاری کل جامعه در کوتاه مدت حاصل اجراء قانون هدفمند کردن خواهد بود.

یارانه یا سوبسید پرداخت قسمتی از هزینه تولید یا خرید کالا یا خدمات توسط دولت بمنظور فروش یا ارائه کالا و خدمات به مردم یا بخش خاصی از اقتصاد و تولید است. هدف اصلی دادن یارانه کاستن بار هزینه خانواده یا تولید کننده بدلیل نداشتن قدرت خرید یا نداشتن امکانات رقابتی در شرایط عادی بازار است. احساس مسئولیت دولت در قبال مردم مخصوصا طبقات فقیر یا بخش خاصی از اقتصاد علت پیدایش یارانه ها بوده است.

در ایران از قدیم دولت ها نسبت به قیمت ارزاق عمومی مخصوصا نان احساس مسئولیت کرده اند و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که گران فروشی یا کم فروشی نانویان، قصابان یا کالای نامرغوب فروختن با مجازات های سنگین و گاه ناعادلانه توسط حکومت مواجه میشد.

در زمان ما از سال ۱۳۱۱ بموجب قانون دولت مکلف شد که نسبت به خرید و ذخیره گندم و تثبیت قیمت نان برای مواقع بحرانی اقدام کند و این قانون و قوانین مشابه در سالیهای جنگ (۱۳۲۳-۱۳۱۸) و قحطی های پس از آن (سالیهای ۱۳۲۸-۱۳۲۴) همه دولتها و شهرداریها و سازمانهای دولتی مثل سازمان غله و نان و اصناف را در کار تهیه و توزیع و قیمت گذاری کالاهای ضروری درگیر کرده بود. از زمان انقلاب نفتی اوپک و چهار برابر شدن درآمدهای ارزی دولت و رسوخ بی بندوباری در هزینه ها، ظهور فشارهای تورمی و نارضایتی مردم سبب گردید که دولت از یک طرف بخواهد قسمتی از درآمد نفت را واقعا به سر سفره مردم بیاورد و کالاهای اساسی را به قیمت ارزان در اختیار مردم بگذارد (مخصوصا کودکان و نوزادان-اطفال دبستانی) و ثابا با درست کردن صندوق حمایت از مصرف کنندگان موضوع عرضه و تقاضا و قیمت مایحتاج عمومی را تحت نظارت و حمایت خود داشته باشد. در سال ۱۳۵۶ صندوق حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان جایگزین صندوق فوق شد. بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مخصوصا با شعارها و اهدافی که در قانون اساسی درباره عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها ذکر شده بود جو کمبود و گرانی در کلیه زمینه ها و کلیه کالاها در جامعه حاکم شد و دولت امر تهیه و توزیع کالاهای اساسی را با تاسیس ستاد بسیج اقتصادی در سال ۱۳۵۹ بعهده گرفت و سیستم توزیع ضروریات زندگی مخصوصا کالاهای اساسی (نان، برنج، روغن، دارو، شیر خشک، سموم دفع آفات، بذر و...) از طریق توزیع کوپن و فروش کالا با قیمت ثابت پایه گذاری شد. البته توزیع کالاهای کوپنی غیر از توزیع کالاها از طریق مراکز تهیه و توزیع کالاهای صنعتی، مواد اولیه و کالاهای واسطه، کامیون، وانت و ماشین آلات و غیره بود که چندین وزارتخانه سیاست گذاری و مدیریت آن را بعهده داشتند که همراه با سایر عوامل ثروت یابی و ثروت اندوزی فساد عظیمی را در کل کشور بوجود آورد و عامل پیدایش طبقه ثروتمند نوکیسه ای در جامعه شد که امروز حوزه کار و فعالیت آنها در کل اقتصاد مشهود است. طبق آمارهای موجود در اواخر دهه ۱۳۷۰ دولت سالانه حدود ۹ میلیارد دلار برای دادن سوبسید به کالاهای اساسی هزینه میکرد. این یارانه ها غیر از تهیه و توزیع و فروش فرآورده های نفتی در بازار داخلی با کالا برگ با قیمت های بسیار نازل بود که هزینه واقعی آن به دهها میلیارد دلار می رسید مثلا دولت برای واردات و تامین بنزین مصرف اتومبیل ها، حدود ۱۵ میلیارد دلار می پرداخت و این امر غیر از تامین سوخت نیروگاهها و کارخانجات است که گاز تقریبا مجانی به آنها واگذار می گردید. دادن یارانه بطور عام و آزاد به کالاها منطق عرضه و تقاضا و قیمت و کلیه حساب و کتاب های ذهنی مصرف کننده را از بین میبرد و همیشه خرید، مصرف، انبار کردن و بالاتر از همه قاچاق کالاهای یارانه ای به بازارهای اطراف کشور را تشویق میکند. مثلا دو سال پیش که بنزین لیتری ۸۰۰ ریال فروخته میشد روزانه ۴۰۰ کامیون (با ظرفیت حدود ۲۰ هزار لیتر) به پاکستان قاچاق میشد. بازار افغانستان و کردستان عراق محل عرضه بسیاری از کالاهای سوبسید دار ایرانی بود (مخصوصا دارو). بحث هدفمند کردن یارانه ها از سال ۱۳۶۸ مطرح بود و ۱۰ سال طول کشید تا در سال ۱۳۷۸ بطور اصولی و منطقی در برنامه سوم توسعه مطرح گردید.

منظور از هدفمند کردن آن بود که (۱) کمک به افراد نیازمند که قدرت خرید ندارند پرداخت شود (۲) کمک بر سیاستها و برنامه هایی داده شود که نیاز به مصرف را کاهش دهد (۳) کمک به مطالعات و تحقیقات و برنامه هایی داده شود که تکنولوژی تولید ماشین آلات و ابزار مصرف کننده انرژی را بهبود بخشد.

در مورد گروه اول تجربه کشورهای رفاه محور نشان میدهد که شناخت طبقات محروم، افراد هدف در هر گروه، مدت دادن کمک، طرق کنترل و جلوگیری از سوء استفاده و اتلاف و کوشش برای ارتقاء موقعیت اجتماعی و شغلی هر دسته امری بسیار پیچیده، فنی و محتاج استفاده از برگزیده ترین کارشناسان در سطح جهانی است و دادن پول نقد بدترین سیاست توزیعی است مخصوصا اگر توزیع در دست مقامات سیاسی باشد.

در مورد هدف دوم پیش بینی شده بود که سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری و سراسری به خوبی بهبود یابد که نیاز به استفاده از اتومبیل و وسیله نقلیه شخصی جز